

# اشعار پر آب چشم

ژانر مرثیه، شکل و محتوای کربلاناامه محتشم کاشانی

کارن جی رافل  
ترجمه ابوالفضل حرّی\*

Karen G. Ruffle, «Verses Dripping Blood: A Study of the Religious Elements of Muhtasham Kashani's Karbala-nameh.» MA, UNC, 2001.

همان‌گونه که پیداست در ترجمه زیر فقط بخش‌هایی از پایان‌نامه آمده است. مترجم سعی کرده است که با حذف فصل‌های مربوط به پیشینه تاریخی و فرهنگی مرثیه محتشم، بخش‌هایی را ترجمه کند که «کربلاناامه» را بیشتر از حیث ویژگی‌های درونی، ادبی و زبانی بررسی کرده است. در ترجمه هم سعی بر این بوده که وفاداری به قلم و اندیشه خانم کارن رافل حفظ شود، بدین معنا که برای نمونه، ایشان در نوشته خود نام ائمه را به بزرگی یاد کرده و برای نمونه از امام حسین(ع) همیشه با لقب «امام» و یا حضرت زینب(ع) را با لقب «حضرت» یاد کرده است. تنها دخل و تصرف مهم، حذف بیشتر نقل‌قول‌ها، انتقال پانوشته‌ها به داخل متن و محدود کردن منابع به اسامی ذکر شده در متن، بوده است. نکته دیگر این که خانم رافل در ارجاع به مرثیه محتشم فقط به نقل عباراتی از متن مرثیه اکتفا کرده و مترجم به انتخاب خود متن کامل ابیات را در دل ترجمه آورده است. بنابراین، تمام ارجاعات به متن مرثیه محتشم (به جز یکی دو مورد) تماماً از آن مترجم است. نکته آخر: مترجم در بررسی مختصر خود به دو عنوان کتاب درباره مرثیه‌سرایی برخورد که کتاب‌شناسی آنها در بخش منابع آمده است. [متأسفانه به علت محدودیت فضا، نقل متن فارسی هفت بند محتشم و ترجمه انگلیسی آن که پیوست این مقاله بود، برای ما میسر نشد - کتاب ماه ادبیات]

## مقدمه مترجم

ترجمه‌ای که در زیر می‌آید، خلاصه‌ای از پایان‌نامه کارشناسی ارشد خانم کارن جی رافل است (نزدیک به ۱۰۰ صفحه) که عجلتاً استاد گروه مطالعات مذهبی دانشگاه میامی آمریکا است. ایشان در سال ۲۰۰۷ از رساله دکتری خود زیر نظر دکتر کارل ارنست دفاع کرد با عنوان:

Karen G. Ruffle, "Memory Inflamed: Women's Participation in the Shi'i Community of Remembrance." Ph.D., UNC, 2007

پایان‌نامه ایشان پنج فصل دارد. فصل اول، تاریخچه‌ای کوتاه از عصر صفویه، حکومت شاه طهماسب و شرح حالی کوتاه از زندگی محتشم ارائه می‌دهد؛ فصل دوم که در اینجا بیش و کم کامل، ترجمه شده است، مرثیه را به منزله ژانر معرفی می‌کند؛ فصل سوم، در معرفی مرثیه محتشم؛ ابتدا پیشینه‌ای از مطالعات مذهبی درباره شیعه ارائه می‌شود؛ سپس، در بخش «از هفت‌بند تا کربلاناامه»، مختصری درباره مرثیه مذهبی سخن می‌راند و در بخش نهایی فصل سوم از انگیزه‌های چندگانه محتشم در سرودن «کربلاناامه» ذکر به میان می‌آورد. در فصل چهارم، ترجمه کامل انگلیسی کربلاناامه آمده است. فصل پنجم نیز که تماماً ترجمه شده است، شکل و محتوای کربلاناامه را بررسی می‌کند.



### درآمد: پیشینه ژانر مرثیه

مرثیه (جمع: مرثی) ریشه در زبان عربی پیش از اسلام (جاهلی) دارد و به تبعیت از فرهنگ شفاهی شاعری جاهلیت عبارت بود از نوحه و زاری (شفاهی) بر سر درگذشت یک عزیز و بزرگداشت صفات نیک (رثا) آن فرد از دست رفته (Pellat, ۶۰۲-۶۰۳). خاستگاه مرثیه به سوگواری‌های مقفی و موزون مراسم‌های آیینی برمی‌گردد که زنان سوگوار بر سر مزار به راه می‌انداختند (همان). به طور سنتی، در عرب جاهلی زنان قوم و خویش بودند که در سوگ فرد از دست رفته ناله و زاری سر می‌دادند. پژوهشگران امروزی که درباره ادبیات عرب جاهلی پژوهش می‌کنند، با این سنت زنان سوگوار و مرثیه‌سرا به خوبی آشنایی دارند (همان). از بسیاری جهات، این سنت سوگواری و مرثیه‌سرایی زنان راه خود را به سنت نوعاً مذکر محور شعرخوانی و شعرسرایی که نزد جامعه جاهلی، عربی و عشیره‌ای ارزشی والا داشت، باز می‌کند. در فرهنگی که جسارت و شجاعت ارزش‌هایی والامد محسوب می‌شد، زنان اجازه می‌یافتند به شیوه‌ای عرفاً پذیرفتنی، سوز و گداز به راه اندازند. به همین ترتیب، اولین نمونه‌های مکتوب مرثی عربی در سوگ امام حسین شهید (ع) از آن زنان و دختران ایشان است. لیندا کلارک خاطر نشان می‌کند مرثیه رباب همسر امام حسین (ع) نمونه‌ای از مشارکت زنان در اجرا و سرایش سوگنامه محسوب می‌شود (Clarke, ۱۵-۱۶):

کلارک به درستی تصدیق می‌کند که تداوم زنان مرثیه‌سرا در سنت ادبی شیعه، زمینه و بستری آیینی برای زنان امام حسین (ع) شهید فراهم می‌آورد تا به طرز شایسته در فقدان رهبر عزیز معنوی، پدر، همسر و برادر خود سوگواری کنند. کلارک می‌نویسد: «در برخی نمونه‌های مرثیه برای امام حسین، سوگواری از زبان اهل‌البیت امام حسین مثل فاطمه یا زینب جاری می‌شد» و نکته گفتنی درباره این مرثی (سوی اصالت آنها) «زیبایی و احساس تأثیرگذاری است که بر ذهن و روان مخاطب بر جای می‌گذارند» (همان، ۱۶).

وانگهی، کلارک اشاره می‌کند که سبک کاملاً قراردادی منبعث از مرثیه‌سرایی‌های زنان سوگوار جاهلی، از جمله مؤلفه‌های مهم سنت مرثیه شیعی محسوب می‌شود که در زبان فارسی و دیگر زبان‌های جوامع اسلامی بسط و توسعه می‌یابد. سوگواری نه فقط غم و ماتم زنان را برای عزیزان از دست رفته خود به لحاظ اجتماعی پذیرفتنی جلوه می‌دهد، بلکه به منزله ژانر شاعرانه قراردادی و بسیار والامد نیز عمل می‌کند. مرثیه مذهبی محتشم کاشانی نیز بسان مرثیه عربی پیشا اسلامی، به کوتاهی زندگی می‌پردازد و به گونه‌ای مشخصاً محتوا-وابسته، از نقش سرنوشت سخن ساز می‌کند. کلارک اضافه می‌کند که «این‌گونه تأملات در باب اخلاقیات صرفاً در راستای ایجاد تکریمی مرثیه‌گون از فرد از دست رفته عمل می‌کنند» (همان، ۱۴).

## حوادث تاریخی به نمایش درآمده در مرثیه محتشم خلی به منطبق زمان و روایتندی متکی نیست. در این مرثیه و سایر ژانرهایی که حوادث کربلا را گزارش می‌دهند، نظم و ترتیب و تداوم حوادث متغیر است

کلاسیک (غربی) بر اساس شکل آن تعریف نمی‌شود. مرثیه، مقوله‌ای مضمونی در شعر فارسی محسوب می‌شود.

در این تعریف، هانوی سه نوع مرثیه فارسی را از هم بازمی‌شناسد. نوع اول، در سوگ چهره یا رهبری ملی سروده می‌شود. نمونه مشهور این مرثیه، دوازده‌بند محتشم در سوگ شاه‌طهماسب صفوی است (و البته این دوازده بند با مرثیه‌ای به همین نام از محتشم در سوگ امام حسین (ع) فرق دارد). این گونه مرثیه را غالباً شاعران درباری در سوگ پادشاهان می‌نویسند. نوع دوم، مرثیه‌ای خصوصی است که همان سبک و سیاق مدح را دارد. مرثیه خصوصی در نکوداشت یاد اعضای خانواده یا دوستان نزدیک سروده می‌شود. محتشم همچنین مرثیه‌ای خصوصی در سوگ برادرش عبدالغنی سروده است. نوع سوم، مرثیه‌ای است که به یاد چهره‌های مذهبی سروده می‌شود و مرثیه مذهبی نام دارد و با سوگواری برای امام حسین (ع) و سایر امامان مترادف است. از زمان غیبت امام مهدی (ع) جوامع شیعی عمدتاً در سرزمین پارس سکنی گرفته‌اند. این جوامع کوچک، چندان تشکل منسجمی نداشتند. اما با روی کار آمدن شاه اسماعیل اول، مذهب شیعه، دین رسمی حکومت شد و همین امر، تشکل‌های شیعی را انسجام بیش‌تر بخشید... در زمان صفویه و استیلای مغول شیوه‌های تازه‌ای در ادبیات ایران مرسوم گشت و همان‌گونه که لوسنسی نیز بحث می‌کند دوره صفویه - مغول، مرحله‌ای اساسی در گسترش ادبیات فارسی میانه به حساب می‌آید. بحث من این است که ضروری است نوآوری‌های محتشم را در گسترش مرثیه مذهبی فارسی در بطن مقوله‌ای جای داد که لوسنسی از آن به سبک تر و تازه<sup>۲</sup> یاد می‌کند و من آن را شیوه تازه<sup>۳</sup> می‌نامم.

### از هفت‌بند تا کربلاناامه: بازگویی مرثیه مذهبی

مرثیه معروف محتشم کاشانی عناوین گوناگون دارد: هفت‌بند، ترکیب‌بند، دوازده‌بند. این عناوین مختلف این پرسش را به ذهن پژوهشگر متبادر می‌کند که کدام عنوان، صحیح‌تر است؟ یا این که می‌توان به عنوانی دیگر نیز فکر کرد. به هر جهت، این عناوین به محور عروضی شعر فارسی مربوط می‌شوند. هفت‌بند، شعری است که از هفت بند یا قطعه تشکیل شده و آخرین کلمه هر بیت یکسان است. هر خط شعر را یک بیت گویند و هر بیت نیز دو مصرع دارد. ترکیب‌بند نیز شعری است که بندهایی با اندازه‌های متغیر دارد و مصرع‌های مقفی آن از بندی به بند دیگر فرق می‌کند. دوازده‌بند نیز شعری است که از دوازده‌بند تشکیل شده است. این عناوین این مسأله را پیش می‌آورند که آیا این هر سه عنوان به یک شعر

از آنجا که در عرب جاهلیت، جنگ‌افروزی قبیله‌ای نقشی اساسی دارد، بسیاری از مرثیه‌ها از انتقام خون مقتولین سخن به میان می‌آورند. این مرثیه مشحون از لعن و نفرین‌ها به دشمنان است و چونان فریاد حمایت‌طلبی سایر اعضای قبیله در انتقام‌جویی عمل می‌کنند. گفتنی است که مضامین اخلاقیات، سرنوشت، خودکامگی دشمنان و انتقام (از نوعی که ویژه روز قیامت است)، از جمله مضامینی است که محتشم کاشانی در مرثیه خود آنها را به کار می‌گیرد...

با گسترش اسلام، برخی از عناصر سبک، محتوا و مضامین مرثیه از اسلاف پیشا اسلامی خود متمایز می‌شود. به زعم شارل پله (ص ۶۰۴): می‌توان گفت که تمایز شاعران اولیه مسلمان از اسلاف بی‌دین خود به این حقیقت مربوط می‌شود که شاعران مسلمان دیگر از انتقام‌جویی دم نمی‌زنند و دشمنان خود را به آتش جهنم وعده می‌دهند و این در حالی است که تأکید می‌کنند مسلمانان به مقام شامخ شهادت نائل می‌آیند و بهشت ماوای آنان است.

پس از شهادت امام حسین (ع)، شیعه از مرثیه برای نکوداشت و زنده نگاه داشتن خاطره حوادث کربلا استفاده کرد. مرثیه ژانری والا مد برای ذکر خصایل امام حسین (ع) و سایر امامان و نیز سوگواری شهادت جانکاه امام حسین (ع) و اشاره به جایگاه ایشان در بهشت به شمار می‌آید:

پس بر ستان کنند سری را که جبرئیل

شوید غبار گیسویش از آب سلسبیل

گسترش اسلام تا ایران، سرزمین‌های ترک‌نشین و آسیای جنوبی، تعامل زبانی، فرهنگی و مذهبی بسیار گسترده در پی آورد. شکوفایی زیبایی‌شناسی اسلامی و تکامل اسلام به منزله قدرتی سیاسی (در پرتو حمایت‌های حکومتی از هنرها و خط‌مشی سیاسی و ایدئولوژیکی دولت‌ها) بستری مناسب برای درک خاستگاه و توسعه مرثیه مذهبی فارسی پدید آورد؛ بستری که در خلال حکومت صفویه نضج گرفت. مرثیه فارسی سبک‌های بی‌شماری را پدید آورد که از اسلاف عربی خود متمایز بود. ویلیام ال. هانوی (Hanaway, ۶۰۸) مرثیه فارسی را این‌گونه تعریف می‌کند:

واژه مرثیه در زبان فارسی در اصل به اشعاری اطلاق می‌شود که به یاد شخص از دست رفته سروده می‌شود، از صفات خوب او ذکر به میان می‌آید و در مرگ او آه و افسوس به راه می‌افتد. این مرثیه برای چهره‌های ملی، اعضای خانواده و دوستان نزدیک و چهره‌های مذهبی خصوصاً امام حسین (ع) نیز سروده می‌شوند... مرثیه برخلاف مرثیه<sup>۱</sup>



صورت نگرفته است، گام اول و ضروری ترجمه این اثر است. بر هیچ اهل ترجمه‌های پوشیده نیست که ترجمه متون مذهبی و شعر غالباً با دشواری‌هایی همراه است. شعر و شاعری در فرهنگ ادبی امریکایی به پای شعر و شاعری در فرهنگ‌های اسلامی نمی‌رسد. وانگهی، قراردادهای و شکل شعر مذهبی در چشم خوانندگان امریکایی چندان آشنا نمی‌نماید و این امر در خصوص کربلانا که حدوداً ۳۵۰ سال پیش به نگارش در آمده است، مصداق بارزتری پیدا می‌کند. نکته دیگر این‌که، زبان فارسی، زبانی به شدت ارجاعی است و این بدان معناست که درک این زبان به مختصر دانسی درباره شگردهای بلاغی و سخن‌پردازی نیاز دارد. به دیگر سخن، مترجم برای ارائه ترجمه‌ای دقیق، هم باید معنای ظاهری واژگان را انتقال دهد و هم باید به معانی ضمنی نمادین، تلمیحی یا استعاری توجه نشان دهد.

فضای مذهبی شیعی زمان سرایش مرثیه محتشم قراردادهای خاص خود را دارد که پس از شهادت امام حسین (ع) در کربلا ظهور و بروز می‌یابند. درک القاب منسوب به خداوند، پیامبر، امام حسن و حسین (ع)، زینب (س) و جبرئیل، قرائت کربلانا را دست‌یافتنی‌تر می‌کند. همچنین، محتشم از واژگان و تصاویر قرآنی نیز بهره برده است و تکرار استعاره‌های

تعلق دارند یا ندارند. پاسخ مثبت است: سه عنوان برای یک شعر. دیگر عنوان مناسب برای مرثیه محتشم در زبان فارسی، کربلانا است. این عنوان از آن جهت مناسب است که کربلا در مقام جایگاه امام حسین شهید و به منزله کانون تبلور هویت شیعی، نقش اساسی دارد. کربلا، استعاره‌ای است مرکب از واژگان فارسی کرب (اندوه) و بلا (بیماری/حادثه تراژیک). در نظر شیعه، وقتی این دو واژه به هم می‌آمیزند، یادآور سرزمین اندوه، بیماری و حادثه تراژیک است. از بسیاری جهات، مرثیه محتشم، روایتی کاملاً حقیقی از حوادث کربلاست و از همین‌رو، بسیار مناسب است که آن را کربلانا بنامیم. وانگهی، عنوان کربلانا، ماهیت مذهبی مرثیه محتشم را نیز به ذهن متبادر می‌کند. به تعبیری، کربلانا، اولین و مهم‌ترین اثر هنری مذهبی کارکردگرا تلقی می‌شود. عنوان «کربلانا» به محتوا و مضمون اثر متکی است: وقایع‌نگاری محتشم کاشانی است از کربلا؛ روایت درد و رنج و شهادت امام حسین (ع) و واکنش‌های کیهانی، بشری و این جهانی است نسبت به این رویداد که از پیش در تاریخ رقم خورده است.

#### واژگان پر سوز و گداز: ساختار و محتوای کربلانا

از آنجا که تا کنون ترجمه‌های کامل به زبان انگلیسی از کربلانا

## گوش دادن به کربلانامه یا هرگونه مرثیه و نوحه یا تماشای تعزیه، جملگی رخدادهایی عبادی است که مشتاقان را به سرزمین فراتاریخی کربلا می‌برند. با برگزاری این آیین‌ها، کربلا دیگر سرزمینی خشک در عراق نیست، بلکه به واسطه قوهٔ خیال در هم اکنون و هم اینجا مخاطب حی و حاضر می‌شود

تا شنونده مرثیه را در حال و هوای فراتاریخی کربلا قرار دهد. از کدام آرایه‌های مذهبی استفاده کرده است؛ گوینده کیست و چه هنگام و به چه میزان تغییر گوینده بر محتوای مرثیه تأثیر می‌گذارد؟ همچنین، از تکرار عبارات و واژگانی خاص، قصد عاطفی، پیرنگ و سیر داستان مرثیه نیز سخن به میان خواهیم آورد. در یک کلام، این مرثیه حکم چیزی را دارد که می‌توان آن را ماشین زمان مجازی و آیینی - مناسکی شیعی<sup>۵</sup> نامید.

### مضمون و محتوای کربلانامه

در ذیل این مقوله، عناصر مضمونی مرثیه را بررسی می‌کنیم؛ همبستگی تاریخ و اسطوره، نقش زمان در اشکال واقعی و نمادین و اشخاص اصلی سوگنامه.

### تاریخ و اسطوره

اهمیت قرائت مرثیه در مجالس محرم بدین است که مخاطب را در کار و زار کربلای سال ۶۱ هجری قرار می‌دهد. در مجالس سوگواری شیعی، «تاریخ‌پردازی»<sup>۶</sup> حوادث کربلا شیوه و منش خاص خود را دارد. تاریخ، چه واقعی، چه اسطوره‌ای، ابزار ارتباط‌دهنده جامعه‌ای مذهبی است. حوادث تاریخی به نمایش درآمده در مرثیه محتشم خیلی به منطبق زمان و روایت‌مندی متکی نیست. در این مرثیه و سایر ژانرهایی که حوادث کربلا را گزارش می‌دهند، نظم و ترتیب و تداوم حوادث متغیر است. و همینجاست که حذف تاریخ واقعی و خیالی به حیطة اسطوره وارد می‌شود.

از جمله تعاریف اسطوره یکی این است: آنچه در فراسوی حیطة نظم، ترتیب و منطبق قرار دارد. حوادث کربلا - دست‌کم در چشم شیعی - بدون زمان و منطق‌گریز است. جهان‌های طبیعی و کیهانی پس از شهادت امام حسین(ع)، جملگی آشوب شده‌اند و ظلم واقعی و وحشیگری و قتل عام کربلا هرگونه نظم و منطقی را بر هم می‌زند. در جهان‌بینی کربلای شیعی، تاریخ صرف بازگویی سیر ساده اتفاقات زمانی بدون هدف و جهت نیست، بلکه ارائه احساسی و تفسیری مذهب و خاموشی صدای عدالت است (ایوب، ۱۴۸).

### زمان

مفهوم زمان از تاریخ و اسطوره منبعث می‌شود و این امر در مرثیه مذهبی و نیز جهان‌بینی شیعی مصداق دارد. برای شیعه، همه روز، کربلاست و هر لحظه، لحظه شهادت امام حسین(ع) است. برخلاف مسیحیت که در هر ساله برای عید رستاخیز مسیح گرد هم می‌آیند، شیعه هر روز خود را با یاد و ذکر شهادت امام حسین(ع) سپری می‌کند. محرم،

گوناگون و زبان متعارف به مترجم این توان را می‌دهد تا ترجمه‌ای به انگلیسی از مرثیه محتشم ارائه دهد که تا حدود زیادی به اصل فارسی مرثیه کربلانامه نزدیک باشد.

در فرایند ترجمه، ضرورت دارد که کلیت بیان خلاقانه محتشم از فضای مذهبی، فرهنگی و سیاسی او حفظ شود. محتشم برداشت خود را از حوادث کربلا به واسطه زبان و واژگانی که اختیار می‌کند، ابراز می‌کند. شکی نیست که این مرثیه به زبان فارسی سروده شده و مخاطبینش نیز ایرانی‌اند. کربلانامه، گرامیداشت حوادث کربلا به زبان فارسی است که فارسی‌زبانان شیعی هر ساله در مجالس ماه محرم آن را با صدای بلند می‌خوانند. دیوید پینولت درباره نوحه می‌نویسد: «نوحه، نوعی هنر مذهبی کارکردگرا می‌باشد که به شکل گریه و ناله و زاری، در مخاطب خود احساس غم و افسوس برمی‌انگیزد».

بدیهی است که ترجمه هنر مذهبی کارکردگرا، فقط انتقال معنای ظاهری واژگان نیست، بلکه بیان نیت عملکردی اثر است. محمود ایوب (۱۹۷۹: ۱۵۸) دربارهٔ سوگنامه‌ها می‌نویسد: «شاعر فرهنگ خودش را به تصویر می‌کشد و از مردمان خود سخن به میان می‌آورد... هدف شعر او فقط بیان مهارت‌های شاعرانگی نیست، بلکه برانگیختن تألم و گریه در مخاطب است. در ترجمه هم باید واژگان را انتقال داد هم محیط فرهنگی‌ای را که شعر در آن سروده شده است. مرثیه محتشم را باید بدین گونه ترجمه، تفسیر و استنباط کرد. کربلانامه گرچه اثری مکتوب است به صورت شفاهی قرائت می‌شود و چونان پل، جهان‌های تاریخی و اسطوره‌ای کربلا را به هم پیوند می‌زند. بنابراین، مرثیه محتشم نقش کاتالیزوری فعال را دارد که به شنونده امکان می‌دهد به دنیای فراتاریخی کربلا وارد شود و به واسطه واژگان و تصاویر، خود را در جایگاه امام حسین(ع) شهید حی و حاضر ببیند. در زیر، ساختار و محتوای کربلانامه را از نزدیک بررسی کرده و در این بررسی به تصویرپردازی، واژگان و مؤلفه سبک‌شناختی مرثیه حجیم و پیچیده محتشم خواهیم پرداخت.

از آنجا که کربلانامه شعری مذهبی است، تحلیل شگردهای سبکی و تصویری آن باید از دیدگاه بافت مذهبی آن مورد لحاظ قرار گیرد و البته در این میان نمی‌توان به مؤلفه ادبی - زیبایی‌شناختی آن نیز توجه نشان نداد. مورخ ادبی می‌تواند اساساً شگردهای سبکی، وزنی، عروضی و ادبی به کار رفته در آثار ادبی را در کانون توجه خود قرار دهد، اما چنین رویکردی در تحلیل مرثیه محتشم چندان کارایی ندارد. بنابراین، در اینجا به این مسأله می‌پردازیم که محتشم به چه ترتیب زبان را به کار گرفته



ماه بزرگداشت چنین آیینی است و زمان تاریخی برای یادآوری حوادث کربلاست.

گوش دادن به کربلانامه یا هرگونه مرثیه و نوحه یا تماشای تعزیه، جملگی رخدادهایی عبادی است که مشتاقان را به سرزمین فراتاریخی کربلا می‌برند. با برگزاری این آیین‌ها، کربلا دیگر سرزمینی خشک در عراق نیست، بلکه به واسطه قوه خیال در هم اکنون و هم اینجای مخاطب حی و حاضر می‌شود. انجام این مراسم، مخاطب را به تاریخ اسلام در سال ۶۱ هجری می‌برد و پرسش‌های زیادی را به ذهن او متبادر می‌کند: اگر در صحرای کربلا حاضر بودم، آیا برای امام حسین (ع) می‌جنگیدم؟ آیا حاضر بودم جان خود را نثار پای پیشوایم کنم؟ انجام اعمال سوگواری، شیعه را به درون جهان اماها و اگرها سوق می‌دهد.

#### اشخاص

اشخاص کربلانامه محتشم در روایتگری مرثیه نقش اساسی دارند. اگر مبارزه جانانه امام حسین (ع) بالشکریان یزید در کار نبود، اگر زینب (س) مکالمه پر سوز و گداز خود را با پیامبر (ص) انجام نمی‌داد، و اگر تلاش‌های جبرئیل در کار نبود، این سوگواری طنین عاطفی خود را از دست می‌داد.

#### خداوند

خداوند که خالق پیامبران و امامان است، در کربلانامه نقش اساسی دارد. خداوندی که بر عرش اعلاء تکیه‌زده و ناظر اعمال آدمیان است. در کربلانامه، خداوند در مقام آفریننده و ویرانگر جهان به تصویر در آمده است. بخش عمده زبان کربلانامه حول روز قیامت می‌چرخد، زمانی که درباره اعمال آدمی قضاوت خواهد شد. البته، آنان که علیه امام حسین (ع)

دست به توطئه زدند، مورد غضب خداوند قرار خواهند گرفت: آنگاه که دست عتاب حق به درآید ز آستین

چون اهل بیت دست در اهل ستم زنند  
از این رو، در مرثیه، خداوند مالک روز جزاست و داوری‌اش درباره انسان، برقرارکننده عدالت در جهان ویران شده است.

#### جبرئیل، جن و سایر فرشتگان

جبرئیل در کربلانامه نقشی مهم ایفا می‌کند. بر مأموریت جبرئیل در حمایت از کاروان امام حسین (ع) در راه کوفه، نوعی غم و افسوس مستولی است. جبرئیل تلاش کرد که کاروان گرامی امام حسین (ع) را حمایت کند اما از پس این مهم بر نمی‌آید چرا که خداوند شهادت امام حسین (ع) را از پیش تعیین کرده است. قتل عام صحرای کربلا سبب می‌شود که «روح‌الامین ز روح نبی گشت شرمسار». در روز قیامت، «پیامبر، علی، جبرئیل و میکائیل (دشمنان حسین) را گرد خواهند آورد و عدالت پروردگار درباره آنها جاری خواهد شد» (ایوب، ۲۱۰). جن و سایر فرشتگان با اندکی تغییرات، همان نقش جمع‌خوانان تراژدی‌های یونانی را ایفا می‌کنند. آنان هیچ اظهارنظری درباره رخدادهای نمی‌کنند، بلکه نسبت به ظلم و ستمی که بر امام حسین (ع) و یارانش روا می‌شود، واکنش عاطفی نشان می‌دهند:

جن و ملک بر آدمیان نوحه می‌کنند  
گویا عزای اشرف اولاد آدم است

#### امام حسین (ع)، پیامبر و سایر مردان اهل بیت

اشکار است که امام حسین (ع) در کربلانامه، نقش اول را ایفا می‌کند و محتشم نیز به ایشان القاب مختلف می‌دهد. از این رو، در امر ترجمه نیز

## اشخاص کربلاناامه محتشم در روایتگری مرثیه نقش اساسی دارند. اگر مبارزه جانانه امام حسین(ع) با لشکریان یزید در کار نبود، اگر زینب(س) مکالمه پر سوز و گداز خود را با پیامبر(ص) انجام نمی‌داد، و اگر تلاش‌های جبرئیل در کار نبود، این سوگواری طنین عاطفی خود را از دست می‌داد

وین صید دست و پا زده در خون، حسین توست  
این نخل تر کز آتش جانسوز تشنگی  
دود از زمین رسانده به گردون، حسین توست  
این ماهی فتاده به دریای خون که هست  
زخم از ستاره بر تنش افزون، حسین توست  
این غرقه محیط شهادت که روی دشت  
از موج خون او شده گلگون، حسین توست  
این خشک‌لب فتاده دور از لب فرات  
کز خون او زمین شده جیحون، حسین توست  
این شاه کم سپاه که با خیل اشک و آه  
خرگاه زین جهان زده بیرون، حسین توست  
این قالب طپان که چنین مانده بر زمین  
شاه شهید ناشده مدفون، حسین توست  
چون روی در بقیع به زهرا خطاب کرد  
وحش زمین و مرغ هوا را کباب کرد (بند ۹).  
در کربلاناامه، از [حضرت] علی و [امام] حسن نیز گهگاه ذکر به میان  
می‌آید. محتشم از علی، به پدر امام حسین و «شیر خدا» (مرتضی) یاد  
می‌کند:

نوبت به اولیا چو رسید آسمان طپید  
زان ضربتی که بر سر شیر خدا زدند (بند ۴)  
پس ضربتی کزان جگر مصطفی درید  
بر حلق تشنه خلف مرتضی زدند (بند ۴)  
به نظر می‌آید که دلیل اصلی اشاره به حضور علی در کربلاناامه این  
است که گفته شود علی نیز قربانی بی‌عدالتی شده و به دست دشمنان دین  
به شهادت رسیده است. دلیل دیگر این است که محتشم می‌خواهد مسیر  
اهل بیت را از محمد به علی به حسن و حسین نشان دهد.  
در کربلاناامه، از [امام] حسن نیز که برادر بزرگ‌تر امام حسین و امام  
دوم است، فقط یک بار ذکر به میان می‌آید. محتشم او را حسن برگزیده  
(مجتبی) خطاب می‌کند:

بس آتشی ز اخگر الماس‌ریزه‌ها  
افروختند و در حسن مجتبی زدند (بند ۴)  
حسن، فرد برگزیده است چرا که امام علی او را به جانشینی خود  
انتخاب کرده بود و ایشان نیز قربانی مبارزه میان اهل بیت و خلفای  
اموی می‌شود. بار دیگر محتشم با اشاره به حسن، زمینه‌ای تاریخی برای

پی بردن به مرجع این القاب بسیار مهم است. بیشتر القاب امام حسین(ع)،  
به جایگاه او در مقام شهید اشاره می‌کنند. عموماً از امام حسین(ع) به  
شاه‌الشهداء یاد می‌کنند. محتشم از القابی دیگر نیز استفاده می‌کند:

«مهمان کربلا»:  
از آب هم مضایقه کردند کوفیان  
خوش داشتند حرمت مهمان کربلا  
«سلیمان کربلا»:  
بودند دیو و دد همه سیراب و می‌مکند  
خاتم ز فحط آب سلیمان کربلا  
و «سلطان کربلا»:  
آه از دمی که لشکر اعدا نکرد شرم  
کردند رو به خیمه سلطان کربلا  
از این عناوین عمدتاً در دومین بند که صحنه و فضای حوادث را  
معرفی می‌کند، سخن به میان آمده است. روایت کربلاناامه، امام حسین(ع)  
را در صحنه کارزار و در حال نبرد به تصویر نمی‌کشد، بلکه او را نماینده  
«دین» معرفی می‌کند که شمشیر ظلم حلق تشنه‌اش را زخم می‌زند:

زدیک شد که خانه ایمان شود خراب  
از بس شکست‌ها که به ارکان دین رسید... (بند ۵)  
پس ضربتی کزان جگر مصطفی درید  
بر حلق تشنه خلف مرتضی زدند (بند ۴)  
حضور پیامبر در کربلاناامه دو نقش مکمل دارد. پیامبر پدرسالار «خانه  
ایمان» است. محمد(ص) لنگرگاه اسلام است و پس از وفات ایشان این  
لنگر به آسمان رفت و کشتی مذهب سرگردان ماند. این قیاس شاید  
اندکی غریب به نظر آید ولی محتشم شخصاً از «کشتی شکست‌خورده  
طوفان کربلا» سخن به میان می‌آورد که فقط پس از وفات محمد(ص)  
و کشمکش اهل بیت و خلفای اموی پیش آمد کرد.  
کشتی شکست‌خورده طوفان کربلا  
در خاک و خون طپیده میدان کربلا  
همچنین، محمد(ص) در نطق حضرت زینب(س) پس از شهادت  
امام حسین(ع) نیز مورد اشاره قرار می‌گیرد. در نطق زینب که بهتر است از  
آن به حدیث نفس<sup>۷</sup> یاد کنیم تا مکالمه<sup>۸</sup>، زینب که کلام خود را با عبارت  
«حسین توست»، ختم می‌کند، با محمد(ص) از ظلم و ستمی می‌گوید که  
بر امام حسین(ع) روا داشته‌اند:  
این کشته فتاده به هامون حسین توست



شنوندگانش فراهم می‌آورد.

### حضرت زینب

در سنت مرثیه مذهبی (در زبان عربی، فارسی و اردو)، صدای زنانه غالباً با شخص پیامبر در گفت‌وگوست. هدف صدای زنانه، ایجاد بستر عاطفی مناسب در بطن مرثیه و حال و هوای مجالس سوگواری است. زینب - خواهر امام حسین - گوینده‌ای است که در کربلاناامه داد سخن می‌راند. محتشم به عمد، از زینب در کربلاناامه ذکر به میان می‌آورد. غالباً مرثیه مذهبی سنن عربی و فارسی از زنان اهل بیت سخن به میان می‌آورند تا غم و ماتم آنان را بر ظلمی که به اسلام شده است، به تصویر کشد. در واقع، تک‌تک زنان اهل بیت در روضه‌خوان و روضه‌شنو واکنش عاطفی خاص برمی‌انگیزد. برای نمونه، از مرثیه‌های متعدد، صدای زینب کبری - دختر امام حسین و همسر قاسم فرزند امام حسن - به گوش می‌رسد.

آنچه در خصوص زینب برای شیعه مهم است، شخصیت تدافعی و صبر و طاقت اوست. از یک سو، انتقاد زینب از حکومت یزید و کوفیان قرار دارد؛ از دیگر سو، ناتوانی او در حفظ شأن و منزلت پیکر بی‌جان و سر برادرش. زینب است که اولین مجلس سوگواری را برگزار کرده و اولین مرثیه مذهبی را نیز به یاد شهادت برادر عزیزش و رهبر مسلمین می‌سراید، در حالی که در دمشق گرفتار زندان حکومت یزید است. در واقع،

نقش‌های جنسیتی جابه‌جا شده‌اند: دیگر از مردان خبری نیست و زنان - برافروخته و پر سوز و گداز - به صحنه کارزار وارد می‌شوند.

### ضد قهرمانان / دشمنان

آشکار است که اشاره به دشمنان اهل بیت در کربلاناامه جایگاه مهم دارد. محتشم در اشاره به ضد قهرمانان قیام کربلا از القاب گوناگون استفاده می‌کند. اصلی‌ترین دشمن اهل بیت، یزید است که تشنگی بی‌حد قدرت، او را به شهادت امام حسین وامی‌دارد. علاوه بر یزید، از ابن‌زید - حکمران کوفه - نیز در کربلاناامه ذکر به میان می‌آید که دشمن سرسخت اسلام است:

ای زاده زیاد نکرده است هیچ گه  
نمرود این عمل که تو شداد کرده‌ای  
کام یزید داده‌ای از کشتن حسین  
بنگر که را به قتل که دلشاد کرده‌ای

ابن‌زید در نطق تهدیدآمیز خود در مسجد کوفه، مردمان کوفه را از کمک به امام حسین بازداشت. وانگهی، در کربلاناامه از کوفیان نیز به نیکی یاد نمی‌شود. کوفیان که ابتدا از حسین حمایت کرده بودند، با خیال نجات جان و مال خود، دست از یاری امام حسین برداشتند. آرمان مذهبی (امام حسین و شیعه‌گری) جای خودش را به واقعیت سیاسی (یزید و ابن‌زید) داد.



## تصویرپردازی در کربلاناامه، شفاف و پر آب و رنگ است. شیوه تازه محتشم در کاربرد زبان فارسی، مرثیه‌ای را برساخته که پیوند عاطفی سرراستی با شهدای کربلا برقرار می‌کند. زبان بسیار تصویری کربلاناامه، استعاره‌ها و تشبیهات را به خدمت گرفته تا حادثه کربلا را به تصویر کشد

### شکل و ساختار کربلاناامه

#### قالب

پیشتر گفتیم که هفت‌بند، قطعه شعری است متشکل از هفت بند که آخرین کلمه هر دو خط یا دو مصرع یا یک بیت با هم مساوی است.

#### واژگان

واژگانی که محتشم کاشانی در کربلاناامه اختیار می‌کند، کاملاً ساده و عامه‌فهم و در عین حال، بسیار تأثیرگذار است. از جمله مشکلات سر راه ترجمه این متن به انگلیسی، یکی، ناممکنی انتقال ظرافت‌های زبانی است. دایره واژگان مذهبی زبان انگلیسی رایج در زبان‌های جوامع اسلامی چندان فراخ نیست؛ از این رو، مشکل بتوان سایه‌روشن‌های معنایی و اهمیت کلمات گوناگون را در فرایند ترجمه حفظ کرد. نمونه مناسب، واژه light (نور) است. در زبان اردو، واژگان مختلفی در این معنا به کار می‌روند که هر یک معنای ضمنی متمایز دارد. نور (Nur)، نور الهی، متافیزیکی خدای پیامبران و امامان است، حال آن‌که، واژه روشنی (roshani) معنای متعارف نور را دارد (منبع روشنایی). واژگان زیر از این جمله‌اند:

اسامی خاص: محمد؛ امام حسین؛ امام حسن؛ فاطمه؛ علی؛ جبرئیل، ابن زیاد؛ عیسی

القاب: شاه مهمان کربلا، سلیمان کربلا، سلطان کربلا، مرتضی.

نام‌های خداوند: صاحب حرم، الله، خدا.

نام‌های پیامبر: رسول خدا؛ نبی

حیوانات: آهو؛ طایر؛ مرغ؛ ماهی؛

هر جا که بود آهوپی از دشت پا کشید

هر جا که بود طایری از آشیان فتاد (بند ۸)

اسامی مکان: کوفه، رود فرات، آب جیحون، کربلا، مدینه، نمرود

دیگر واژگان مذهبی: قیامت؛ جریده رحمت؛ شفیعان؛ روز حشر؛

سلسبیل؛ به عرصه محشر؛ حوری، جن، ملک؛ هفت آسمان؛ ماتم؛ نوحه.

#### تکرارها

کربلاناامه پر است از واژگانی که در ابتدا یا انتهای ابیات آمده و تأثیری نمایشی بر جای می‌گذارند. بندهای سوم، ششم، نهم و دوازدهم ترکیب‌بندهایی دارند که شاعر به واسطه آنها توجه شنونده را جلب کرده و از این رو، فضای عاطفی را پر رنگ می‌کند.

مصرع اول ابیات بند سوم (بجز ابیات هفتم و هشتم) با عبارت «کاش

آن زمان» شروع می‌شود:

کاش آن زمان سرادق گردون نگون شدی

وین خرگه بلند ستون بیستون شدی

کاش آن زمان درآمدی از کوه تا به کوه  
سیل سیه که روی زمین قیرگون شدی  
کاش آن زمان ز آه جهان سوز اهل بیت  
یک شعله برق خرمن گردون دون شدی

کاش آن زمان که این حرکت کرد آسمان  
سیمابوار گوی زمین بی‌سکون شدی

کاش آن زمان که پیکر او شد درون خاک  
جان جهانیان همه از تن برون شدی  
کاش آن زمان که کشتی آل نبی شکست  
عالم تمام غرقه دریای خون شدی

آن انتقام گر نفتادی به روز حشر  
با این عمل معامله دهر چون شدی

آل نبی چو دست تظلم برآورند

ارکان عرش را به تلاطم درآورند

این عبارت، به مرثیه‌خوان اجازه می‌دهد مرثیه‌شوها را بر سر آنچه در کربلا اتفاق افتاده، به تأمل دعوت کند. هر بیت از شنونده می‌خواهد که بیندیشد چه اتفاقی می‌افتاد اگر خداوند بشریت را در لحظه شهادت امام حسین، نیست و نابود می‌کرد.

بند ششم با عبارت «ترسم» آغاز می‌شود:

ترسم جزای قاتل او چون رقم زنند

یک باره بر جریده رحمت قلم زنند

ترسم کزین گناه شفیعان روز حشر

دارند شرم کز گنه خلق دم زنند

دست عتاب حق به در آید ز آستین

چون اهل بیت دست در اهل ستم زنند

آه از دمی که با کفن خون چکان ز خاک

آل علی چو شعله آتش علم زنند

فریاد از آن زمان که جوانان اهل بیت



گلگون کفن به عرصه محشر قدم زند  
 جمعی که زد به هم صفشان شور کربلا  
 در حشر صف زنان صف محشر به هم زند  
 از صاحب حرم چه توقع کنند باز  
 آن ناکسان که تیغ به صید حرم زند  
 پس بر سنان کنند سری را که جبرئیل  
 شوید غبار گیسویش از آب سلسبیل  
 این بند از نظر لحن و درون مایه، ادامه بند سوم است، چرا که شاعر  
 در بند سوم می گوید گرچه روز عاشورا، بشریت کیفر نمی بیند، روز قیامت،  
 دشمنان اهل بیت به سزای اعمال خود خواهند رسید:  
 آن انتقام گر نفتادی به روز حشر  
 با این عمل معامله دهر چون شدی  
 آل نبی چو دست تظلم برآورند  
 ارکان عرش را به تالطم درآورند  
 در بند نهم، زینب از ستمی که به امام حسین رفته است، با پیامبر درد  
 دل آغاز می کند. با بند یازدهم و دوازدهم، محتشم کربلاناامه را به پایان  
 می آورد. ابیات بند یازدهم با عبارت خاموش محتشم شروع می شود:

خاموش محتشم که دل سنگ آب شد  
 بنیاد صبر و خانه طاق خراب شد  
 خاموش محتشم که ازین حرف سوزناک  
 مرغ هوا و ماهی دریا کباب شد  
 خاموش محتشم که ازین شعر خونچکان  
 در دیده اشک مستمعان خون ناب شد  
 خاموش محتشم که ازین نظم گریه خیز  
 روی زمین به اشک جگرگون کباب شد  
 خاموش محتشم که فلک بس که خون گریست  
 دریا هزار مرتبه گلگون حباب شد  
 خاموش محتشم که بسوز تو آفتاب  
 از آه سرد ماتمیان ماهتاب شد  
 خاموش محتشم که ز ذکر غم حسین  
 جبریل را ز روی پیامبر حجاب شد  
 تا چرخ سقله بود خطایی چنین نکرد  
 بر هیچ آفریده جفایی چنین نکرد  
 این بدان معناست که مرثیه رو به اتمام است و حرف دیگری باقی

## شکل و محتوای کربلاناامه از دیدگاه تاریخ ادبی و مطالعات مذهبی به هم تافته و پیچیده است. ماهیت اساساً ارجاعی زبان فارسی به همراه سبک بسیار والامد ژانر مرثیه و سنت تذکره‌نویسی حول و حوش شهادت امام حسین، ترجمه کربلاناامه را با دشواری روبه‌رو کرده است

نمانده است که درباره حوادث کربلا گفته آید. حادثه کربلا، غم‌بارترین و تراژیک‌ترین حادثه تمام تاریخ و اعصار است و محتشم نیز سنگ تمام گذاشته تا این بخش از تاریخ مقدس شیعیان را در معرض نمایش قرار دهد. محتشم از خود می‌خواهد که خامشی پیشه کند، چرا که نیروی جادویی کلامش قلب‌های یخچین را ذوب کرده؛ شنوندگان را واداشته تا از دیدگانشان خون ببارند؛ مرغ هوا و ماهی دریا کباب شده و دریا هزار مرتبه گلگون حباب شده است. زبان کربلاناامه نه فقط بشریت که دل تمام آفریدگان را به درد می‌آورد:

ای چرخ غافلی که چه بیداد کرده‌ای  
وز کین چه‌ها درین ستم‌آباد کرده‌ای  
بر طعنت این بس است که با عترت رسول  
بیداد کرده خصم و تو امداد کرده‌ای  
ای زاده زیاد نکرده است هیچ‌گه  
نمرود این عمل که تو شداد کرده‌ای  
کام یزید داده‌ای از کشتن حسین  
بنگر که را به قتل که دلشاد کرده‌ای  
بهر خسی که بار درخت شقاوت است  
در باغ دین چه با گل و شمشاد کرده‌ای  
با دشمنان دین نتوان کرد آن چه تو  
با مصطفی و حیدر و اولاد کرده‌ای  
حلقی که سوده لعل لب خود نبی بر آن  
آزرداش به خنجر بیداد کرده‌ای  
ترسم تو را دمی که به محشر برآورند  
از آتش تو دود به محشر درآورند

### تصویر و تصویرپردازی

تصویرپردازی در کربلاناامه، شفاف و پر آب و رنگ است. شیوه تازه محتشم در کاربرد زبان فارسی، مرثیه‌ای را بر ساخته که پیوند عاطفی سرراستی با شهدای کربلا برقرار می‌کند. زبان بسیار تصویری کربلاناامه، استعاره‌ها و تشبیهات را به خدمت گرفته تا حادثه کربلا را به تصویر کشد

کیهان و جهان طبیعی نقش مهمی در کربلاناامه ایفا می‌کنند. واکنش خلقت و کیهان به حوادث کربلاست که تصاویری تأثر برانگیز بر جای نهاده است:

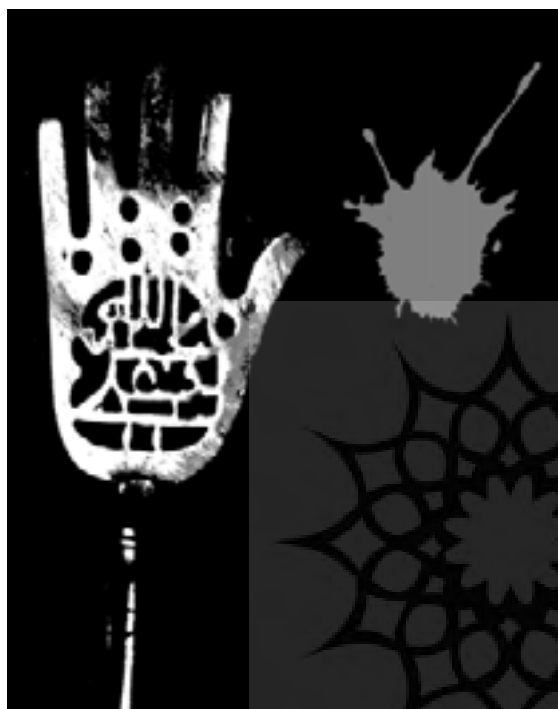
روزی که شد به نیزه سر آن بزرگوار  
خورشید سر برهنه برآمد ز کوهسار  
موجی به جنبش آمد و برخاست کوه  
ابری به بارش آمد و بگریست زار زار  
گفتی تمام زلزله شد خاک مطمئن  
گفتی فتاد از حرکت چرخ بی‌قرار  
عرش آن زمان به لرزه درآمد که چرخ پیر  
افتاد در گمان که قیامت شد آشکار (بند ۷)

و کلام زینب خطاب به مادرش فاطمه در قبرستان بقیع درباره امام حسین، وحش زمین و مرغ هوا را کباب می‌کند:  
چون روی در بقیع به زهرا خطاب کرد  
وحش زمین و مرغ هوا را کباب کرد (بند ۹، بیت ۸)  
زمین دهان باز می‌کند و خون می‌گرید و آسمان نیز خون‌گریه می‌کند؛ در واقع، خون، تصویری است که در کربلاناامه سایه‌گسترانده است:

خاموش محتشم که فلک بس که خون گریست  
دریا هزار مرتبه گلگون حباب شد  
تصویر تأثیرگذار دیگر که محتشم مکرر به خدمت می‌گیرد، تشنه و تشنگی است. در صحرائی کربلا امام حسین و یارانش بسیار به آب فرات نزدیک بودند، اما در عین حال از آن بسیار دور می‌نمودند، چرا که لشکریان یزید آب را بر آنها بسته بود. در کربلاناامه، امام حسین، «خشک لب» (بند ۹، بیت ۵) است و «حلق تشنه‌اش (بند ۵، بیت ۱) را تیشه ستم (بند ۴، بیت ۵) می‌درد:

این خشک لب فتاده دور از لب فرات  
کز خون او زمین شده جیحون حسین توست  
چون خون ز حلق تشنه او بر زمین رسید  
جوش از زمین به ذروه عرش برین رسید  
وز تیشه ستیزه در آن دشت کوفیان  
بس نخل‌ها ز گلشن آل‌عبا زدند  
یاران امام حسین به رگم تشنگی (بند ۲، بیت ۶)، خود را سیراب نمی‌کنند:

زان تشنگان هنوز به عیوق می‌رسد  
فریاد العطش ز بیابان کربلا  
فرد مسلمانی که تابستان را روزه گرفته باشد، بی‌تابی از تشنگی را



,Press, 1992.

- 9- ..... "Zaynab Bint 'Ali and the Place of the Women of the Household of the First Imams in 10- Shi'ite Devotional Literature." *Women in the Medieval Islamic World: Power, Patronage, and Piety.* 11- Bd. Gavin R.G. Hambly. New York: St. Martin's Press, 1998. 69-98.

### بی‌نوشت:

\* عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه اراک

1. elegy
2. eulogy
3. fresh style
4. shivah-I tazah
5. virtual, ritualistic-devotional, shii time machine
6. historicization
7. soliloquy
8. dialogue

۹. شماره بندهای یازدهم و دوازدهم در متن فارسی و ترجمه رافل با هم جابه‌جا

شده است.

خوب می‌فهمد و با امام و یارانش احساس همدلی عاطفی خواهد کرد.

### ختم کلام

گفتیم که شکل و محتوای کربلانامه از دیدگاه تاریخ ادبی و مطالعات مذهبی به هم تافته و پیچیده است. ماهیت اساساً ارجاعی زبان فارسی به همراه سبک بسیار والامد ژانر مرثیه و سنت تذکرنویسی حول و حوش شهادت امام حسین، ترجمه کربلانامه را با دشواری روبه‌رو کرده است. حجم کربلانامه (۹۶ بیت) بر دشواری امر ترجمه به انگلیسی آن افزوده است. این نوشتار ادعا ندارد که تمام مسائل شکل و محتوای کربلانامه را بررسیده است. وقتی این پژوهش را آغاز کردم، شخصاً فکر نمی‌کردم با شعری روبه‌رو شوم بی‌نهایت پیچیده؛ سرشار از ارجاعات دین‌شناختی؛ روایت تاریخی، شخصیت‌پردازی‌های پر مایه و واژگان چشمگیر. هنوز در این زمینه جای کار بسیار باقی است که البته مجال و زمانی دیگر می‌طلبد.

### منابع و مأخذ

- ۱- امامی، نصرالله. (۱۳۶۹). مرثیه‌سرایی در ادبیات فارسی. تهران: جهاد دانشگاهی.
- ۲- افسری کرمانی، عبدالرضا (۱۳۷۱). نگرشی به مرثیه‌سرایی در ایران. تهران: انتشارات اطلاعات.
- 3- Ayoub, Mahmoud. *Redemptive Suffering in Islam: A Study of the Devotional Aspects of 'Ashura' in Twelver Shi'ism.* Religion and Society 10. The Hague: Mouton Publishers, 1978.
- 4- Clarke, Lynda. "Some Examples of Elegy on the Imam Husayn." *Papers from the International Conference on the Imam Husayn (London, July 6-9, 1984).* Al-Serat 12 (Spring and Autumn 1986), 13-28.
- 5- Hanaway, William L., Jr. "Marthiya (in Persian Literature)". *The Encyclopaedia of Islam.* Vol. 6. 608-609.
- 6- Losensky, Paul. *Welcoming Fighani: Imitation and Poetic Individuality in the Safavid Mughal Ghazal.* Bibliotheca Iranica 5. Costa Mesa, CA: Mazda Publishers, 1998.
- 7- Pellat, Charles. "Marthiya (in Arabic Literature)". *The Encyclopaedia of Islam.* Vol. 6. 602-608
- 8- Pinault, David. *The Shiites: Ritual and Popular Piety in a Muslim Community.* New York: St. Martin's